

رستاخیز پان ایرانیسم از خون الهام گرفته، با خون بنیان یافته



بر روی خون پیش می‌نارود

آسانا
نشانی
بهارستان
ساختمان
آشتیانی
شنبه ۴
شنبه ۵
میگرد
دوره دوم
شماره ۷۲
شنبه ۵
۷ خرداد
۱۳۳۱
بهاء
سه ریال

جنبش بزرگ پان ایرانیسم، جنبشی که پس از سالها در بزمی و سیه روزی پس از سالها فقر و بدبختی، بر آسمان سیاه و تاریک شده میهن مانور افتخار باشید، پان ایرانیسم خون و تاریخ آغاز شد.

پان ایرانیسم در تاریخ ما، تاریخ سرزمینی که برای نخستین بار مشعل فرهنگ جهانی را فروزان کرد الهام می‌داند. خون پان ایرانیسم، خونی که دستور زندگی بر آدنیان آموخت فرمان می‌داد: جنبش کنید و پایداری و زشتی‌ها را از خانه خود برانید. این حقیقت بزرگ، حقیقتی که می‌گفت برای سرفرازی میهن خود بود بعد از پان ایرانیسم.

چون هدف پان ایرانیسم تهنات سرکشی است، می‌گرفت که از جان بگذرد و نهال رستاخیز ایران را با خون آبیاری کند... علی‌رضا رئیس ۰۰۰ نخستین راه مردی بود که پیمان خود را وفا کرد و با نشان جان خود رستاخیز پان ایرانیسم را که از خون فرمان گرفته بنیان نهاد.

بیکر قطعه قطعه و خونهای دلخنده شده این قهرمان ملی در شکست ناپذیری را بپایان نهاد که همه آبرهای دشمن مکار در سینه آن بسنگ نشت و حتی خیانت پاره‌های از کسائی هم که رهز مار زهر آرزایان رئیس شنیده بودند بر دیوار پولادین آن رخته افکند.

دیروز نهال نورس پان ایرانیسم که جز تاریخ و حقیقت باستانی نداشت با خون جوانی پاکیزه آبیاری شد و امروز با درخت تنومند آن از خون ماسیراب شود. شاهانه و آدم‌مردانی که در سراسر قلات ایران از بزرگترین شهرها گرفته تا دور افتاده ترین دشت‌ها درفش پرشکوه پان ایرانیسم را بدوش گرفته اند شاهانه دلیرانی که با این رستاخیز بزرگ ملی سرسپرده پان ایرانیسم، زبان و مردانیکه با حزب قهرمان ملت ایران پیمان بسته‌اید بهوش باشید...

دشمنان نیرنگ باز... استعمارگران بیگانه، همت حاکم ستگر، سرمایه‌داران خون آشام، لشکرهای پست، خود پرستان خیانت کار در کین جنبش شایسته اند. آنها می‌خواهند بهر وسیله که ممکن است رستاخیز پان ایرانیسم را بستگلاخ شکست و گرداب ننگ کشانند.

پس بر شماست تا بهر وسیله که می‌توانید این ودیعه خون و تاریخ را پاسداری کنید و این راه سخت گذر را بسر رسانید.

پس از هشت سال مبارزه خونین و پریشانی و امید... اکنون جنبش قهرمانانه پان ایرانیسم جای خود را در دل مردم ستمدیده ایران باز کرده و درفش پان ایرانیسم را بر سراسر میهن سایه گسترده...

اما راه سخت گذری که در گذشته پیموده شده در برابر راه پر خطری که در آینده باید پیمود هیچ است. امروز سربازان دلیری که در انش حزب ما را در کف دارند باید هشیار تر و توانا تر مبارزه خود را دنبال کنند.

امروز رستاخیز پان ایرانیسم به بر گردان بیگانه، به خود پرستار غرض ورز، بدلان سیاسی و بدلان گریز با نیاز ندارد تنها کسانی می‌توانند در حزب قهرمان ما ساندند که چون... علی‌رضا رئیس پان ایرانیسم داشته و در همه حال هستی و نیروی خود را در برابر حزب هیچ انگاشته و سر در راه فرمانهای حزب بیجا نراند.

پان ایرانیسم پان ایرانیسم... حزب ما همچنان بقیه در صفحه ۲



آذریکه از انسان در این دنیا باقی میماند پشاپا آینه‌ای است که در آینه‌های خود را در آن چون نقش برجسته مشاهده می‌نماید و به هستی و ارتیکه ممکن است برای دیگران باقی گذارد پی میبرد خانواده مرحوم علیرضا رئیس و به خصوص من که برادر آن مرحوم می‌باشم بعد از اظهار تاف از مرکز وی خوشوقتم که آن مرحوم توانست با اذیت دادن چنان قابل خود در راه میهن به جوانان فهیاند که جز با فداکاری و از جان گذشتگی ممکن نیست کسی به طرف آرزوییکه دارد دسترسی پیدا کند و منتخیرم از اینکه تا اندازه خود را در راهی که آن مرحوم بخاطر میهن قدم گذارد و منصرف بنا بودی او کردید شریک و سهیم بوده‌ایم

از طرف خانواده رئیس - عبدالرزاق رئیس

از هوشنگ حق نویسی
پان ایرانیسم چگونه بوجود آمد
هشت سال نبرد خونین
در راه پان ایرانیسم
بدین دشت کینه گرازمایکی است همه خیل دشمن بچنگ اندکی است چه اندیشه از آن سیاه بزرگ که دشمن چومیش است و ماهیچرک ایران مقلوب شده بود، ارتش ما شکست خورده بود، و سر نوشت مسا میهم بود.

از میان ابرهای تیره‌ای که اقیانوس میهن ما را ظلماتی کرده بود در محیط باس و نویدی و در صحنه وحشت و اضطرابی که صدای زنجیر تانکها و غرش هواپیماهای دو کشور متجاوز بر آسمان وزمین بکملت مقلوب ایجاد کرده بود و در روزهای که صدای چکمه‌های سربازان مست روسی و غرش رکیار متراپیوز بقیه در صفحه ۲

و حدت همه ایرانیان و بنای یک فرهنگ نوین برای جهان - همه چیز برای ملت - نیرومندی ملت در نیرومندی مردم و نیرومندی مردم در نیرومندی فرد است

پان ایرانیسم اندیشه‌ایست که از اقدیس جامع الاطراف است که همه مسائل ژرفای اقیانوس تاریخ خود نمائی میکند فردی و اجتماعی را با منطق علمی خود بیان این اندیشه که امروز بیاری زبان و مردان میهن مسا گسترده میگردند اندیشه سازنده‌ایست که همه آثار استعمار و بندگی را در زمین بکومت و اصلاح وضع موجود درهم فرو میریزد و بر ویرانه‌های آن کانی بی‌ریزی نگردیده این اندیشه هدنی عالیتر پرشکوه استوار میسازد: پان ایرانیسم یک

از آقای دکتر بصیر استاد دانشگاه

تعوری اتمیک در باره تخمیر شکل جانداران در رد تئوری داروین و مخالفین او

تاریخچه تاریخی

ناقانون کار ب نفع کارگران تغییر ننگند تا میسریم ناسیونالیست‌ها را سیون در تمام رشته‌های صنعت و کشاورزی تعمیم داده نشود تا وضع وقت بار و اسفان نیز کشاورزان تغییر نکند امید هیچ گونه ترقی در شئون اجتماعی مانع رود

پان ایرانیسم

بقیه در صفحه ۲

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

هشتم خرداد

بقیه از صفحه ۱
 های موزون و دلبری را تشکیل داده بود.
 قتیله باریک و نیم سوخته او، آهسته آهسته کج میشد و برکناره های شمدان مروء یافتند.
 یک قطره دیگر بر روی شمدان چکید، او کم کم از کناره های آن گذشت و بر روی سیزدهم ای رنگ فرورفت و بر جای سرد شد.
 نسیم ملایمی، از شبکه در بدرون این خانه خاموش و آرام وزید، آخرین خراکت های شعله را با خود برد.
 ولی هنوز دیدم که نمی توانست خاموش شدن این آخرین شعله را بیاید.
 اما غیزه شمع خاموش شده بود و یک یک دیگر شمعها هم فروغ خود را از دست دادند.
 جوانانی که بر کناره میز قرار داشتند بیاس احترام این مجلس ساده اما مقدس و بزرگ خاموش و آرام بوده، حتی مهر گوشت پنداصدا نفس آن در سینه خاموش کرده نه آنکه این آرامش بر ابروت و جیروت در هم شکسته شود. و گوئی همتان در رویانی عقیق فرق وواله اند آنها هم چون من دیدگان بر خاموش شدن این آخرین شعله های کم نور و لرزان دوخته و شاید باز گرفتن نگاه را از این نوره های زرد رنگ فراموش کرده بودند با شدت تنگ نظریات و رویانی که در او فرق بودند از این نکته آنان را غافل ساخته بود.
 تنها يك شعنه کم نور در کناره اطاق هنوز میرقصید و بر اثر پرتو افشانی او عکسی را که گوئی روی آن پارچه سیاه افکنده اند روشن میساخت و بر کناره آن به زحمت پرچم سه رنگ ایران تشخیص داده میشد.
 ناگهان ضربه که بر در واخته شد سکوت مجلس را در هم شکست.
 جوان دیگری بود که کام در اطاق نهاده با احترام او همه از جای برخاستند، یکباره اطاق در صدای پرشور «پاینده ایران» غرق گردید.
 - دوست عزیز دیر آمدی؟
 - آری گوئی شخصی در تعقیب من بود...
 دیگر انتظار تمام شده است همه حاضران و مراسم این روز شورا انگیز می بایست اجرا شود.
 طبق دستور... اسم به عمل آمد...
 و سپس جوانی که کوئی عهد دار اجرای تشریفات این روز بود پیش میز قرار گرفت؛ و با کلماتی متین اما آمیخته به تامل و احترام چنین آغاز سخن کرد:
ای برادران!
 ای کسانی که میان بر کف دست گرفته و پیمان سیده اید:
 «که تا شاهد مقصود را در آغوش نگیرید و دشمنان را نابود نسازید، از پای نشینید»
 بدانید: امروز یکی از روزهای است که هر چند برای ما آمیخته با تامل و افسوس است اما روزی است که برای ملت ایران آمیخته با سعادت و پیروزی است، امروز در تاریخ ایران یک روز فراموش نشدنی و از جنم بزرگ است.
 امروز روزی است که سیر گذر تاریخ ایران را عوض خواهد کرد و آغاز یک فصل طلایی و درخشان در میان اوراق این کتاب کهنه باستانی خواهد بود.
آری برادران! بگذارید تا من نوشته ای را که یادآور روزنگار شده ام برای شما بخوانم تا شما نیز از عظمت

را تعبیر می کند
 آنها باید حتما برای شب آماده باشند.
 ضربه های چکش کم کم نیرومند تر میگردد.
 او - آهسته آهسته چه میکنی؟ اما خبر، اونیشود...
 عشق و ایمن چنان او را در خود فرو برده که گوئی همه چیز از خاطرش معوج گردیده است.
 هنوز از تماشا آهنگ ضربات چکش در آسمان میبازید که انفجار وحشتناک و مبهیبی صدای آنرا خاموش کرد.
 آنرا خاموش کرد و با خاموشی او فروغ زندگانی جوانی را هم خاموش ساخت.
 اذ آن جوان میهن پرست که تالعهه پیش با هزاران شود و عشق خود را برای نبرد شب آماده میکرد جز مشتی استخوان پراکنده دیگر چیزی بر جای نماند.
 آن قدر که پس از روزها دسته ای مویش بر بالای پنجره با باد بازی میکرد و با نسیم از گذشته نغمه های تلخ و شیرین میرود...
 آری؛ لغتی بعد خانواده اش ذرات جسم او را در میان آتش و خون جستجو میکردند.
 علیرضا، علیرضا، اما خبر؛ دیگر از دوست، اثری نبود او برای همیشه از زیبایی های جهان، و آنچه هست و خواهد بود جلگه دیده فرو بست.
 ولی برای همیشه بیاسی احترام و عظمت روح او نام بر افتخارش در فرمان رئیس باقی و جا دیدان ماند.
 دوستان بهتر اینست که از زندگانی این آزاده جدا نباشد شما نیز بیشتر آگاه باشید.
 قهرمان دلیر ما علیرضا را در تاریخ ۱۳۰۵ در دامان یکی از پاکترین و شرافتمند ترین خانواده های تهران قدم با غرضه و جود گذاشت.
 پدر او بعد رضاشاه (سالار معظم) یکی از رجال لایق و پاکدامن آن روز به شمار میرفت.
 او فرزندی رشید و مبرز خانواده بود و از کودکی برای تربیتش از هیچگونه فروگذار نگردید.
 در سال ۱۳۱۳ پدرش جهان را وداع گفت و تحت سرپرستی مادر و خانواده اش قرار گرفت.
 تحصیلات ابتدایی خود را در دبیرستان «جشدیم» پایان رسانید و سپس وارد دبیرستان البرز شد.
 از هنگامیکه کام در دبیرستان نهاد، روح عالی و بزرگ او همواره وی را بیک زندگی پر شور و هیجان رهبری میکرد. فقط فلز مرتفع کوهها و قلب صخره های صعب بود که میتوانست روح بزرگ و جسور او را سیراب سازد.
 شکار تله وسیله تفریح وی بود و همیشه با دوستانش در دامن طبیعت با یک گردش نشاط انگیز میریختند.
 چنانکه هنگام شکار بوسه ای یکی از قوامش تیری برای او اصابت کرد و برای مدتی بستری گردید.
 ولی روح سرکش و واحد و جسور او که از آرامی داشت پس از بهبودی بیژدست از این تفریح نشاط انگیز بر نداشت.
 در همین حال نجات و پاکبازی اوسب گردیده بود که همه برای یک احترام فوق العاده قائل شوند.
 او همه جا و نزد همه کس مظهر شرافت و میهن پرستی بود.
 این شور و عشق او را برای رهبری کرد که بزرگترین و شایسته ترین مردان تاریخ و رهبران بشر آنرا طی کرده اند.
 راهی که هر بی سروبار در آن جسارت کام نهادن بوده است.
 آری «بخاطر زنده ساختن ملت سر باختن»
 «اما ای رئیس گمان میرد که این خون شهید زطن» یاد نگاهداره

روشنا خیز باز ایرانیم

بقیه از صفحه ۱
 در میان خون و آتش پش خواهد ناخند و دشمنان بی شمار خود را بزانو خواهد کشید.
 ما بشما ندا میدهیم.. بشما همه زنان و مردان استعمار زده ایران ندا میدهیم که حس زبونی و نا امیددی را از خود برانید بجز روی ملت خود ایمان داشته باشید...
 در هر کجای ایران که هست بد بصف رزمجویان حزب آزمايش شاه ملت ایران بر بنیادبان ایرانیم به پیوی نددید... ما در برابر ایران ایمان پاینده ایران

تئوری اتمیک

بقیه از صفحه ۱
 چند ماهون سال قبیل در روی کره ارضی حیواناتی پیدا شده اند و بیسی منقرض شده از بین رفته اند ولی در عوض حیرانات نو نظری پیدا شده اند که اغلب هیچگونه ارتباطی با نژاد و همین طور با مردم زمان حیوانات عصر ما پیدا شده که ملاحظه میشود.
 این موضوع چطور شده که حیوانی نوظهور که هیچگونه ارتباطی با جانداران ذوره خیلی قبل نداشته اند پیدا شده و چگونه ظهور کرده و پس از مدتی منقرض شده و از بین رفته اند سبب شده است که بیشتر دانشمندان در این باره آزمایش های گوناگونی بعمل آورند و بالاخره نظریه و فرضیه هایی را اشاعه دهند.
 اولین کسی که در این باره مطالعه کرد داروین بود که پس از مطالعات زیاد آزمایش های متعدد معتقد شد که ممکن است محیط خارجی در تغییر شکل جانداران موثر باشد.
 از اینرو نظرداد که محیط بزرگترین و یگانه موله است:
 زیرا در ظاهر مشاهده میشود که حیوان یا نباتی اگر از محیط اصلی خود خارج شود و در محیط یگانه زیست کند تغییر شکل میدهد و اگر در محیط تازه احتیاجی بدستگاهی از اندامها وجود نداشته باشد آن دستگاه بتدریج صفر پیدا میکند و از بین میرود و همچنین اگر محیط ایجاب کند که اندامی بطرز غیر عادی کار کند آن احتیاجی با مضای جدید باشد آن محیط آن اندامها را از برای او درست خواهد کرد و یا عضوی که در کار او تغییرات حاصل شده است فورم و شکل دیگری پیدا میکند.
 داروین در ظاهر حقیقت داشت زیرا این امر کاملاً با تحقیق رسیده است که محیط یا طرز کار در اندامها و اعضا تغییر میدهد حتی در اعمال جراحی پلاستیک هم این امر مشاهده شده است مثلاً اگر انگشت شصت پاراکه کلفت و کوتاه است بجای شصت دست برون بند زند (در جراحی) حتی اتفاق افتاده مخصوصاً در لیون این عمل خیلی انجام گردیده است.)
 بنابراین لازم دانستم در این موضوع تجدید نظری از روی اصول علمی و متکی بدانش منحل آید زیرا معتقدم که مقدمه امر که با علم همراه است یعنی آزمایش های آثار بسبب آن روی حیوانات و نباتات شروع شده و دنباله پیدا کرده است: پیش از اینکه با ظاهر فرضیه شود بیسر درازم لازم است کمی با تغییرات ملکول او را بنویسم. بعقیده من در ترکیبات بیسی که امروزه با علم بیست امده میشود ملکول او را بنویسم است نه اتم او را بنویسم زیرا تاکنون هر عنصری که نتوانسته ایم از صورت ظاهری کاسته و بصورت ساده تری در آوریم عنصر ساده نامیده ایم مانند کربن کربن پلاسر و غیره
 بقیه در صفحه ۲

بازرگانان محترم برای دادن آگهی در این روزنامه از ساعت ۹ الی ۱۲ و از ۱۶ الی ۱۸ بدفتر روزنامه رجوع کنید

تئوری اتمیک

بقیه از صفحه ۳
 در قدیم بعضی عناصر را که ظاهر ساده دارد مانند آب عنصر ساده می نامیدند پس از آن که با وسایل متعدد توانستند آن را تجزیه کنند بی بردند که در واقع آب عنصر ساده نیست بلکه ترکیبی است از دو اتم هیدروژن و یک اتم اکسیژن
 تا امروز که علم اقتصاد دارد بیشتری از عناصر را توانسته ایم تجزیه کنیم
 بنابراین آن ها را عناصر واحد دانستیم اما و ذرات متشکله آن ها را اتم نامیده ایم اما تاریخی که ممکن شده که ذره لا تجزیه ای اورانیم بدو عنصر ساده دیگر یعنی توریم و پلوتونیم تجزیه کنیم
 بنابراین دیگر نمیتوان آن ذره را لا تجزیه ای اورانیم را اتم نامید بلکه آن را ملکول اورانیم باید دانست اتم از این که ملکول اورانیم باشد یا اتم آن بعد از آن که در هیروشیما منفجر گردید علاوه بر قدرت آن آن یک سلسله اشمه که آن را اشمه اتمی می نامند در هوا پخش گردید این اشمه عبارت از اشمه گاما و غیره باشد
 در موجوداتی که توانسته بودند از قدرت تخریبی آن جان سلامت بمانند تغییراتی احداث کرد که تا این تاریخ از اثرات این اشمه و اشمه کبک و غیره اطلاعی مبسوط نداشتند و شاید هم اشمه شدید دیگری موجود باشد که هنوز کشف نشده و حتی بی وجود آن هم برده شده است
 در هر صورت مشاهده کرد که حیوانات و انسان و نباتاتیکه در معرض این اشمه قرار گرفته اند
 تحت تاثیر قرار میگیرند این تاثرات چندین نوع بوده است یکی اثرات مستقیم در روی آن ها در اتمیک در اولاد آن ها مشاهده گردید
 سوم اثرات مجهول یعنی خلق شدن یک سلسله نباتات تازه
 اثرات مستقیم روی جسم جاندار چندین مورد توجه من نیست ولی آنچه از اثرات دورتری یعنی اثرات در اولاد آن جاندارانیکه مورد تابش اشمه قرار گرفته مشاهده گردیده است بسیار قابل توجه میباشد
 زیرا اغلب این قبیل نوزادان از قبیل گوساله و غیره حالت های غیر عادی داشته اند و شباهت های مخصوصی پیدا کرده اند
 مخصوصا تغییراتی که در جوجه های این قبیل مرغان احداث شده مایه تعجب است همچنین طبق گزارش های دانشمندان در خرابه های هیروشیما یکمده نباتاتی پیدا شده اند که تاکنون نظایر آن در روی کره ارض موجود نبوده است همچنین میره هاییکه در دنیا وجود ندارد در واقع خلق شده اند
 این مشاهدات این جانب را بر آن داشت که در این باره از نوسخن را دنبال کنم
 حال که در ابتدای امر باین نکته بر غور دارم که یک اشمه مرموز مانند گاما و اتمیک و غیره که توانسته اند در جانداران تغییراتی باین عظمت بدهند آیا ممکن نیست که اشمه نظایر اینها در اعصار قدیم با غلظت و یا بتدریج حیوانی را تغییر شکل داده باشند و به صورت حیوان

حزب ملت ایران افتخار دارد

که بدنبال آرمان رئیس برای اولین بار کتاب تاریخیچه نامیو فالیمم را بروح جاویدان او تقدیم داشت من آن از روی اولین صفحه کتاب:

ای ایرانی...
 ای کسانیکه، نر بادشور انگیز این دلهای غروشان بگوش شارسیده است ای آنانکه، شامم از شه های فروزان قیام مقدس ما؛ در قلب خود احساس گرمی کرده اید.
 ای خواننده ایکه، اکنون دیدگانت باین سطور خوین آشنا میگردد.
 آگاه باش...
 که نطفه این نهضت مقدس در میان آتش و خون بسته شده است، و بدنبال خویش نیز آتش و خون خواهد داشت
 این راز نهفته را اکنون بر تو آشکار میکنیم:
 که خون کلکون جوانی، ریشه این نه-ال سر سبز را سیراب کرده و یک پیکر قطعه، قطعه شده، خونبهای فرمان بان ایرانیم بوده است
 ای علیرضای رئیس
 ای شهید راه افتخار و عظمت ایران
 ای جوانی که بهمد خویش و فاکر ردی و سرد راه پیمان سپردی
 بدان؛ ما نیز از عهد خود باز نخواهیم گشت...
 اکنون: بدنبال آرمان مقدس تو؛ این نوشته را بر روان تابناکت تقدیم می-داریم
 پاینده ایران

آگهی اداری

این روزنامه صفحه
 قیمت آریال
 دفتر روزنامه

آگهی اداری

مشترکین محترم تهران که دوره اشتراکشان پایان رسیده است چنانچه مایل با اشتراک مجدد هستند فوراً اطلاع دهند و در غیر این صورت روزنامه آنها قطع خواهد شد.
 ۳-۳

اتو فریب

با اتو کارهای آخرین سیستم اتو فریب همه روزه به همدان و کرمانشاه و کاظمین مسافرت کنید
 درب اندرون کیلان تور ۳۳۰۶۲

با تراز سپورت

به همه جای ایران مسافرت کنید

از ۵ خرداد در سالن تاتر شهرزاد

خسرو و پرویز

نمایش آهنگ دار بانضمام دو پرده کسرت باشکوه افسانه

مسافرت با اتو ملایر سریع و راحت است

نشانی باب همایون اتوملایر تلفن ۴۴۷۷۴

اتو کرمانشاه

با اتو کارهای میله آخرین مدل مطئن و راحت اتو کرمانشاه به همدان و کرمانشاه و کاظمین مسافرت کنید
 بوذرجمهری مقابل بازار آهنگرها تلفن ۲۱۹۳۷

با گیلان مشهد مسافرت کنید

جایگاه

حزب ملت ایران بر بنیاد بان ایرانیم

بهارستان گوی نظامیه کوچه دبستان کاشی شماره ۶

با اتو کارهای میله و سواری استثنی آخرین مدل شرکت

بابل نور بنام نقاط مازندران مسافرت نمایند.

بوذرجمهری مقابل آهنگرها تلفن ۲۱۲۹۱-۲۲۳۰۱

کشور تور بهترین وسیله

مسافرت است

تهران مقابل مسجد محمودیه گاراژ کشور نور تلفن ۳۹۷۱۸

با ایران پیما مسافرت کنید

نشانی چراغ برق
 تلفن ۴۱۷۶۰

چاپخانه اختر شمال

پاینده ایران

بمنظور تجلیل روح شهید بزرگ نهضت بان ایرانیم از ساعت ۸ تا پایان مجلس یادبود او بر سر آرامگاه شادروان علیرضا رئیس گارد انتظامات حزبی پاسداری خواهند نمود

دفتر حزب ملت ایران
 بر بنیاد بان ایرانیم

پاینده ایران

چون روز پنجمین هشت خرداد مصادف با هجرت علیرضا رئیس بنیاد گزار نهضت بان ایرانیم میباشد
 خواهشمند است در مجلس یادبودی که از طرف حزب بر سر آرامگاه شهید قیام بان ایرانیم بر پا خواهد گردید در ساعت ۲۰ حضور بهم رسانید.
 نشانی- شهرری ذباغ طوطی

دفتر تبلیغات حزب ملت ایران
 بر بنیاد بان ایرانیم
 شایسته است کلیه سروران در سراسر ساعت ۱۸ در جایگاه حزب واقع در میدان بهارستان کوچه دبستان حاضر شوند

آگهی مزایده مال غیر منقول

همگی و تمامیت شش دانگ مرتع نرگس کشتی دارای پلاک شماره ۴۰ واقع در دهستان نائل کنار نور که قبلا چهار دانگ بوده و فعلا بصورت شش دانگ در آمده ملکی آقای علی مجتهد زاده که شش دانگ ملک نامبرده بوجوب سند شماره ۴۹۴۹ در قبال مبلغ بیست و سه هزار ریال در رهن آقای عباس نویدی است و در اجاره رسمی نیست و حدود آن شرح زیر است شمالا از میله یک در کنار دره و ابتدای لبر سرا نشان شده تا میله ۲ در امتداد خال (چپر) محدود است بمرتع شماره ۴۲ شرقا از میله ۲ تا شمشیر دره در امتداد آن تا میله ۳ در امتداد خال و چپر محدود است بمرتع کل باغ شماره ۱۸ جزو نائل جنوبا تا میله ۴ در امتداد خال و جاده عمومی محدود است بمرتع سوتک میان غربا از میله ۴ تا ابتدای حد شمالی در امتداد همیشک کرماند کور محدود است بمرتع کنا شیرا شماره فرعی ۱ مفروزه از مفروز تجدید در ساعت ده صبح روز پنجشنبه دوازدهم تیر ماه ۳۱ در اجرای این اداره بمزایده فروخته میشود و مزایده از مبلغ مورد رهن و حقوق دیوانی آن شروع خواهد شد طالبین می توانند در روز و ساعت معینه در آگهی حاضر شده در خرید شرکت نمایند و حق حراج بمهده خریدار است این آگهی در ظرف ۱۵ روز سه نوبت منتشر میشود
 نوبت اول چهارشنبه ۳۱/۳/۷
 نوبت دوم ۳۱/۳/۱۴
 نوبت سوم ۱۳۳۱/۳/۲۱

رئیس ثبت شهرستان آمل کمالی

بجای روزنامه مازندران آمل

آبادانا

دارنده امتیاز - امیر سلیمان عظیمیا
 زیر نظر هیئت تحریریه

آگهی

سرورانی که در فروش روزنامه شماره مخصوص حاضررتبه یکم دوم و سوم کردند از طرف حزب تشویق خواهند شد
 دفتر روزنامه

لوان تور بهترین وسیله مسافرت است

لباس و کمال و جمال یکدیگر ندلبامهای جنرال مداین نظریه را تکمیل می کند لاله زار کوچه برلن جنرال مد

قیام و جنبش مردم تهران

بقیه از صفحه ۱
توتون و تنباکو بود که بر اثر رشدهای و بیداری مردم لغو گردید و بعد از آن امتیازهای دیگری داده شد که تدریجاً پای بیگانگان را بداخل خاک ایران باز کرد.
تا پیش از امتیاز توتون و تنباکو و باز شدن پای خارجیها بایران، مردم ایران چندان متوجه مفاسد و زیانهای امتیازاتی که به بیگانگان داده میشد نبودند و اصولاً توده مردم بیاباره نمی عمل سیاسی کمتر متوجه سود و زیان کشور بودند و در کارهای دولتی اظهار تمسک کردند و ولی هنگامیکه پای اجانب به وطن ما بازشد و سیاست و نفوذ شوم بیگانگان از پرده بیرون افتاد ناگهان تکلیف شدیدی در میان مردم ظاهر گشت.

در سال ۱۲۸۷ در زمان امین الدوله سه نفر بلژیکی بایران آمدند و کارگرمک ایران را بنا نهادند.
رئیس این دو نفر شخصی بنام «نوز» بود که ابتداء عنوان مدیر کل گمرکات را باو دادند و بمیاست دز بردست و فرمان صدر اعظم ایران کارهای گمرکی را اداره کند و لی سال دیگر هنگامیکه شاه قاجار عزم سفر اروپا کرد بیچاره آنکه صدر اعظم همراه او خواهد رفت نوز را وزیر کل گمرکات کرد و این بار جزئی را یکبار در کارهایش خود سر و فعال مایشاء ساختند.

«نوز» دست بکار شد و باروش غلاط و شدادت گمرک ایران را قبضه کرد ابتداء مردم و بخصوص تجار و بازرگانان متوجه زیانهای مربوطه استبداد رای وزیرانهای که از وجود این بیگانه متوجه حیات اقتصادی مامیشد بودند ولی تدریجاً در بعضی شهرها مثل بوشهر و یزد و شیراز و اصفهان و تهران تجار و اصناف و روحانیون اظهار ناراضیاتی نمودند.

در سال ۱۲۸۹ که مظفرالدین شاه در سفر اروپا بود در این شهرها بازرگانان و اصناف سر بشورش برداشته و بادولت به کشمکش و گفتگو پرداختند ولی ابتداء ناراضیاتی و اعتراض به نتیجه نرسید و این کار تا پیش از بازگشت شاه دنبال پیدا کرد.
دولت ابتداء با اعتراضات مردم کوش نداد و بشوشکیها به بدرفتاری و سوء سلوک و خسوت خود افرودند بطور آشکار و روابط بازرگانان ایرانی بیگانگان و هم چنین مسیحیانی که در ایران بودند با مسلمانان تیره شد و این عده از عیسویان بیگانه با ایرانیان فوق العاده بدرفتاری میکردند مخصوصاً نسبت به سنن و شعائر ملی ما بر اعتنائی می کردند.

این جنبشها چون ناراضیاتی های که از راه وام گرفتن و به گردش فرستادن مظفرالدین شاه توأم بود هیاهو و هیجان عینی در میان مردم ظاهر ساخت و عوام این حوادث ناگوار را نتیجه افکاد و رفتار سوء اتانک صدر اعظم میدانستند، دامنه هیجانات مردم و بیخ تر شد و در بهار سال ۱۲۸۲ در تهران و یزد و خورش هائی بوقوع پیوست نوز همچنان گمرکات ایران را در دست داشت و با میل و هوس شخصی و استبداد رای خود اداره میکرد.

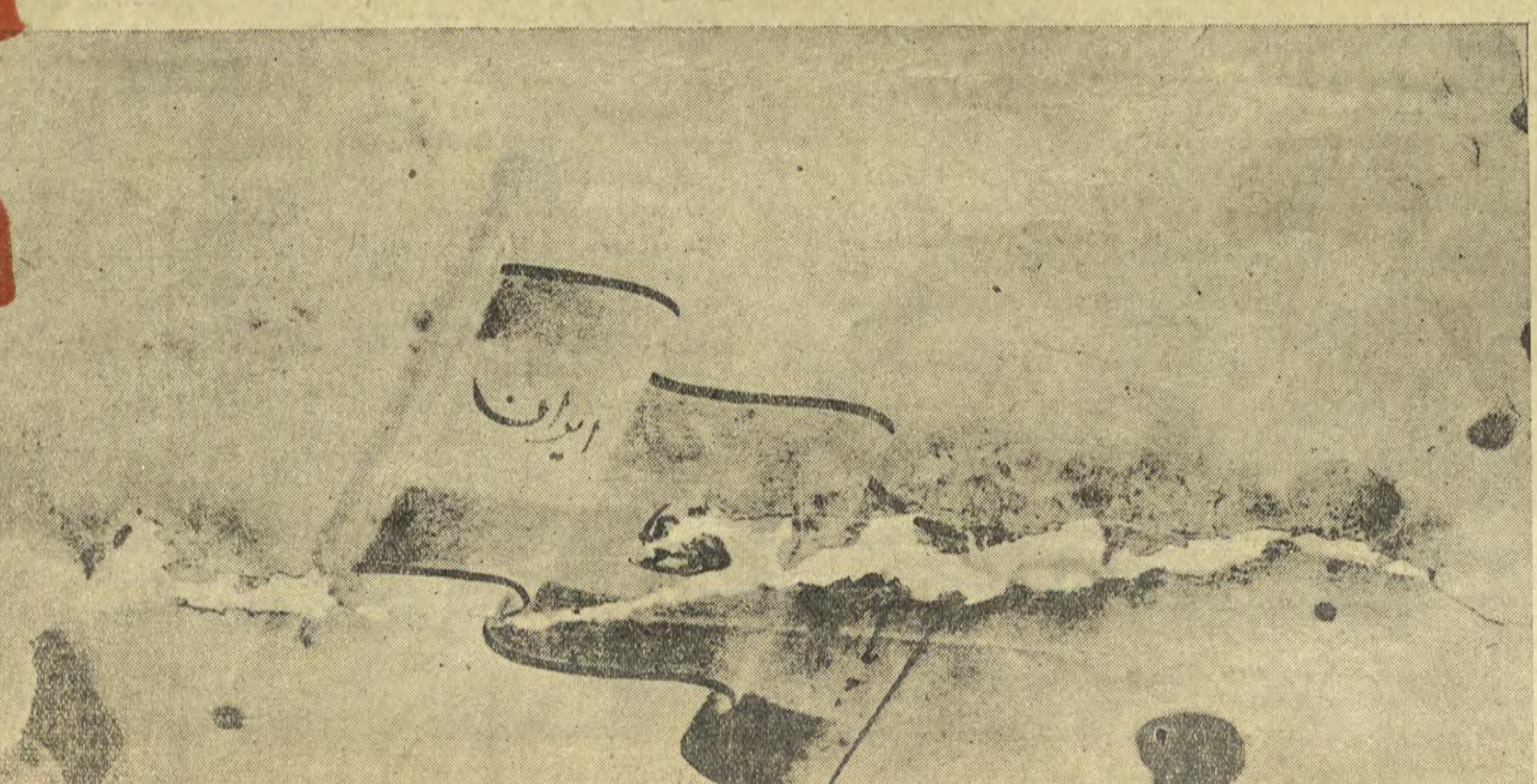
در زمستان سال ۱۲۸۲ بدست همین نوز بلژیکی پیمان کمکی باروس های تزاری منعقد گردید که تفرقه آن بکسر به زبان ایران بود و نتیجه آن این بود که صنایع ملی مثل پارچه بافی و غیره ازمیان عبرت و کار داد و ستد و بازرگانی از رونق میانفاد و کشاورزی و کله داری نابود میشد و وقتی بیگانه راه میافت آنوقت مردم بیکار را و ادار به مهاجرت شهرهای قفقاز و غیره میکرد و با اینکه بشوهرای همسایه دیگر میکرد بزانند این تفرقه علاوه بر اینها برای کالاها بیگانه از روسیه بایران میآمد کم کم غلبی کم و برای کالاها بیگانه از ایران روسیه میرفت با آهنگرستان و فرانس و جاهاد دیگر بایران وارد میشد کم کم بسیار بست بود و از این طریق نه تنها بضرر وطن ما بلکه بزبان کشورهای دیگر بود.

این جریان بیگانگانی را که منافشان را بخطر افکنده بود سخت متوحش و نگران کرد مخصوصاً انگلیسها با فشاری

((فرمان رئیس))

در آن هنگام که قیافه متین و آرام علیرضا رئیس در میان آتش و خون دوستان هم پیمان خود را مینگریست.
از پس آن ظهر تلخ و تاتر انگیز...
در آن دقایق بیم و امید و برخطر که طنین قلب «دوستان رئیس» نیز باهم میتواخت و دل های آکنده از شور و وطن را به یکدیگر پیوند میداد.
در میان یک جهان دوستی و صمیمیت و بیاس احترام و وفاداری به آرمان مقدس و هدف انحراف نا پذیر اولین سرباز شهید و قهرمان بزرگ قیام آئینه ایران شادروان علیرضا رئیس رهبران انجمن پیمانی منمقد ساختند.
پیمانی که در آن سوگند یاد کردند و روح شهدای وطن را گواه گرفتند که هر نر از آن روی برتانیند.
این پیمان خونین بود که برای اولین بار نام بان ایرانیسم را بر لوحه های پذیر نقش کرد
و بدنبال آن زنگهای قیام عظیم ملی را بعداً در آورد ...

امضاء کنندگان این فرمان با خون خود پیمان سپردند و بتوای ایرانی اعتماد کردند و شرافت تورا گروگان گذاشتند که همه وهمه یک آرمان مقدس داشته باشیم آنهم بان ایرانیسم و شادرا بناموس وطن سوگند دادند که هاله سیاه را که نشانی الزام و مهرای ملی ماست از کناره پرچم ایران باز بگیریم.
مگر؛ در آن روز تاریخی ... آن روز سعادت بار فرجیست ... روز اعاده عظمت و حیثیت از دست رفته
روز رسیدن به آرمان مقدس بان ایرانیسم
اکنون متن کامل پیمان بزرگ و تاریخی:
(فرمان رئیس)



ما، خاک و گل از آن انجمن، ما که نخستین باین نهضت ایران پرستی را بروی شنیدیم خود بر پا کردیم، امروزه در این است
ساختار آنکه انجمن مقدس خود را برای همیشه وارد یک راه غیر قابل بازگشت کردیم و سراسر سراسیم و بیگانه را که بر آرزویم
این شعور می آید که وطن پرستی که امروزه از قلوب ما زایل نمیشد و غیرت که در دلها ما زایل نگردد و ما را از آن
قدیم جامه ایرانی نموده و بنای تعلیم و فلسفه و کلیه عقاید انجمن جز این سازیم نیکویم.
بان ایرانیزم آن آزادی مقدسی که بر قلوب جنگی ما حکومت میکند، ما اکنون بجهت آزادی خود، بشفافیت انجمن خود
بروح نخستین شهید راه وطن و سرباز فداکار انجمن علیرضا رئیس سوگند یاد میکنیم که برای همیشه و تا ابد جز بان ایرانیسم
برای خود هدف و آرزوی مشخص نداریم و این و آن را جز بوی این آئینه در شان دوست داشتنی نزنائیم.
ای آیندگان! ای کسانی که روزی نام انجمن گمنامی ما را دوست بگیرید، مردان بسیار ای
آئیندگان که برای عظمت ایران بسا زمان مقدس مای یونند، زمانه آن ای افرادی که بر نواده های ولایتش
سروس حکومت میکند، ای جوانان عزمی که در این سطور این جوانی اجساد ما خاک شده باشد
شاید مکان ما کج زندان باشد و شاید بجزم وطن دوستی آورده که در دست انجمن ما، یا قلوب ما، یا کانون انجمن ایران
پرستی اصمت تیر ما جانک از دشمنان زمین سوراخ سوراخ نموده باشد، اما از تو بگویم و تو بگویم و تو بگویم و تو بگویم
خدای ایران قسم میکنم که ما سراسر احترام روی شهیدای ایران و بیا و بنیادگان انجمن و بنا بر عظمت ایران برای همیشه
توبیغ بیگانه ایمان داشته باش و معتقد یک عقیده کلی گردیم، آنهم پیمان ایرانیزم.
شاید این آرزو در زمان ما در دوره تو با بعد از تو بحقیقت بیونند اما باشد، تو موظفی در آن ای این انجمن بزرگوار
که در میز داری در قلوب دیگران و آیندگان نیز وارد کنی تا بسند بسند بگرد و خاموش نشود، مطمئن باش روزی میرسد که
این آتش مقدس میدان را بوزنانه و جرز باکی چیزی بر جای نگذارد، تا آنروز این وصیت ماست، شما حاله سراسر
از در پرچم ایران برگیرید، این حاله نش از عزاداری و ماتم ماست، تا وقتی که بدین مقدس خود رسیده اید تا آنروز عظیم
ایران را احاطه نموده اید شما را بناموس وطن بکنید این حاله را برگیرید، برنگردید و نفره کشان بر یکدیگر برای اولین سالگرد پیمان
آن روز تاریخی مقدس، آن روز سعادت بزرگش ... آنروز برای نخستین بار پرچم سر زنگ ما بدین حاله سراسر در دست
جوانان خونخوار ایران و سربازان غرور انجمن در پیش رو خود قرار دادیم، و در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان
آزادی ایران را بر سر داشتیم، ایران را با ما بر سر داشتیم و تمام را با ما بر سر داشتیم.